

جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان و مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ

علی بصیری‌نیا^۱

امین صباغ‌زاده^۲

چکیده

متعاقب بروز درگیری‌ها میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو-قره‌باغ در نیمه دوم سال ۲۰۲۰، توافق سه‌جانبه‌ای میان این دو کشور به میانجی‌گری روسیه منعقد شد که طی آن با خروج نیروها و اتباع ارمنی از حدود ۳۵ درصد خاک قره‌باغ کوهستانی، در مجموع حدود ۷۰ درصد مساحت این سرزمین به کنترل باکو و متحدانش درآمد. مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که تغییرات ژئوپلیتیک متعاقب جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان چه تأثیراتی بر حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ داشته است؟ در پاسخ به این پرسش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از چارچوب مفهومی ژئوپلیتیک این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که تغییرات ژئوپلیتیک متعاقب جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان هم‌زمان با پیچیده‌تر ساختن بحران منجمد ناگورنو-قره‌باغ به تقویت مواضع باکو منجر شده و دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ را دشوارتر و توسل به گزینه نظامی را از سوی باکو در پی داشت.

▪ واژگان کلیدی:

مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ، ژئوپلیتیک، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، جنگ ۴۵ روزه ۲۰۲۰ میان باکو و ایروان.

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. a.basiriniya53@gmail.com

^۲. نویسنده مسئول و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

a.sabagh4250@gmail.com

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی به لحاظ ژئوپلیتیک از اهمیت خاصی برای کشورهای هم‌جوار و قدرت‌های جهانی برخوردار بوده و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تحولات متعاقب آن بر شدت تأثیرگذاری و اهمیت آن در ابعاد گوناگون افزود. منطقه قره‌باغ که از دوران حاکمیت شوروی بر جمهوری‌های قفقاز جنوبی به‌مثابه عاملی مناقشه‌آمیز در روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان ایفای نقش داشت، پس از استقلال این جمهوری‌ها نیز منبع اصلی اختلافات میان باکو و ایروان باقی ماند. این اختلافات که بارها به سطح خشونت‌آمیز کشیده شده بود در پاییز ۲۰۲۰ دوباره شعله‌ور شد.

آخرین درگیری عمده میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ که در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد، به مدت ۴۵ روز ادامه داشت تا اینکه پس از وارد شدن تلفات و خسارات گسترده، با توافق سه‌جانبه رؤسای جمهوری آذربایجان، روسیه و نخست‌وزیر ارمنستان در ۱۰ نوامبر و انعقاد توافق‌نامه آتش‌بس میان طرفین درگیر، پایان یافت. در نتیجه این جنگ، جمهوری آذربایجان توانست ۷۰ درصد مناطق اشغالی را پس بگیرد و وفق مفاد توافق جدید بر ۳۰ درصد باقی‌مانده نیز کنترل داشته باشد. پیروزی میدانی جمهوری آذربایجان در جنگ ۴۵ و حفظ موقعیت برتر باکو در توافق آتش‌بس بر بسیاری از ابهام‌ها پیرامون تغییر موازنه قوا در قفقاز جنوبی پایان داد. باین‌همه، پیچیدگی مناقشه قره‌باغ تنها به مسائل سرزمینی و مرزی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و کنترل مؤثر باکو بر این منطقه محدود نمی‌شود.

پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک این مناقشه را از سه چشم‌انداز می‌توان به بحث گذاشت: الف) تغییر در تعداد و نوع ذی‌نفعان، ب) تغییر در میزان منافع ذی‌نفعان و ج) تغییر در پیچیدگی مسائل فرعی که بر سر آن‌ها اختلاف وجود دارد. از این‌رو به نظر می‌رسد که تغییر توازن ژئوپلیتیک در قره‌باغ به نفع جمهوری آذربایجان و حتی صدور فرمان انحلال جمهوری آرتساخ از سوی رهبر خودخوانده ارمنی منطقه قره‌باغ، راه‌حل‌گذار پایدار از بحران قره‌باغ شناخته نمی‌شود. از آنجاکه عنصر ژئوپلیتیک بر سیاست‌گذاری‌ها و حل بحران‌ها تأثیر می‌گذارد، هدف مقاله حاضر، تعیین تأثیر تغییرات ژئوپلیتیک متعاقب جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان - ارمنستان بر حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ است. با این توصیف، مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش است که تغییرات ژئوپلیتیک متعاقب جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان - ارمنستان چه تأثیری بر حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ داشته است؟

فرضیه اصلی مقاله این است که دگرگونی‌های ژئوپلیتیک متعاقب جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان هم‌زمان با پیچیده‌تر ساختن بحران منجمد ناگورنو-قره‌باغ به تقویت مواضع باکو منجر شده است. فرضیه جایگزین می‌تواند این باشد که تغییرات ژئوپلیتیک متعاقب جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان تأثیر چندانی بر حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ نداشته و موانع اصلی بر سر راه حل این بحران همچنان وجود دارد.

مقاله حاضر از نوع کیفی (توصیفی-تحلیلی) بوده و به شیوه موردپژوهشی به بررسی تغییرات ژئوپلیتیک منطقه قره‌باغ کوهستانی طی جنگ ۲۰۲۰ باکو-ایروان و تأثیرات آن بر نتیجه مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ به‌ویژه از چشم‌انداز دستیابی به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز رفع این مناقشه پرداخته است. داده‌های موردنیاز به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و آزمون فرضیه مقاله ذیل چارچوب مفهومی ژئوپلیتیک صورت پذیرفته است.

ادبیات پژوهش. بحران قره‌باغ در دوره‌های پیشین و حاضر از سوی پژوهشگران و تحلیلگران بسیاری موردبررسی قرار گرفته است اما در رابطه با تأثیر تغییرات ژئوپلیتیک بعد از جنگ دوم قره‌باغ هنوز مقاله یا کتابی به چاپ نرسیده است. لذا این موضوع نوآوری پژوهش محسوب می‌شود. در ادامه مروری خواهیم داشت بر مهم‌ترین آثار نگاشته شده پیرامون بحران قره‌باغ و پژوهش‌هایی که بر اساس مبانی ژئوپلیتیک مطرح شده‌اند.

تویسرکانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر ابعاد و سطوح مداخله در بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ ابعاد و سطوح مداخله در بحران قره‌باغ» بر طبق مفهوم «بحران ژئوپلیتیکی» و مبانی و عناصر موجود آن را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله از نظر مباحث نظری و پرداخت به موضوع بحران قره‌باغ حاوی مطالب مفید است و می‌تواند در راستای انجام تحقیق مورداستفاده قرار گیرد. در این پژوهش ابتدا مفهوم بحران ژئوپلیتیکی و عناصر موجود آن تبیین شده و سپس به موضوع و عامل بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ و ابعاد آن پرداخته می‌شود.

عیسی‌نژاد (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ» به این فرض پرداخته که این مناقشه در دو بعد حقوقی و سیاسی دو روند کاملاً متفاوتی پیموده است و به همین دلیل، گروه مینسک نتوانست هیچ دستاورد عملی در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز این مناقشه کسب کند. به نظر رسید قرارگیری در حوزه خارج نزدیک مهم‌ترین مانع ژئوپلیتیکی حل‌وفصل مناقشه قره‌باغ بود. پس از بروز جنگ ۴۵ روزه،

بازبینی ابعاد مختلف این مناقشه برای ترسیم دورنمایی صحیح از تحولات پیش رو و آینده منطقه قفقاز جنوبی بیش از پیش ضروری است. به نظر رسید آینده این منطقه همچنان از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی متأثر خواهد شد.

مودبازه^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تشدید درگیری بین ارمنی‌ها و جمهوری آذربایجان‌ها و مشکلات حل مسالمت‌آمیز جنگ قره‌باغ کوهستانی» توضیح می‌دهد که چرا دستیابی به صلح در قره‌باغ کوهستانی دشوار است و چه عواملی مانع از حل مسالمت‌آمیز مناقشه می‌شود. از دیدگاه نویسنده حل این درگیری بسیار دشوار است زیرا طرف‌های درگیر دارای منافع ژئوپلیتیکی متناقضی هستند و نمی‌توانند در جریان مذاکرات به اجماع دست یابند. در بخش دوم مقاله به اهداف مسکو در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته و معتقد است روسیه همچنان قفقاز جنوبی را منطقه نفوذ خود می‌داند و سعی می‌کند این منطقه را به مدار روسیه بازگرداند. هدف مسکو ایجاد کنترل قاطع بر قفقاز جنوبی است که در گذشته به‌عنوان «حیاط خلوت روسیه» تلقی می‌شد.

روزکوشوا^۲ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه ژئوپلیتیک درگیری قره‌باغ در سال ۲۰۲۰» به بررسی نقش و تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در شکل‌گیری و پایان یافتن جنگ دوم قره‌باغ پرداخته است. نویسنده با تحلیل روابط بین ارمنستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه و روسیه، نشان داده است که چگونه پیروزی باکو با حمایت آنکارا، تعادل جدید ژئوپلیتیک را در قفقاز جنوبی، منطقه سنتی نفوذ روسیه، ایجاد کرده است. نویسنده همچنین به فرایند صلح و آتش‌بس و نقش دیپلماتیک روسیه در حفظ صلح و استقرار در منطقه پرداخته است.

جان^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله «تأثیرات ژئوپلیتیک درگیری قره‌باغ» به بررسی پیامدهای ژئوپلیتیک جنگ دوم قره‌باغ بر منطقه قفقاز و روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. نویسندگان با استفاده از داده‌های تاریخی و سیاسی، نشان داده‌اند که چگونه تعادل قدرت و تأثیرات بین‌المللی در روند و پایان درگیری نقش داشته‌اند. نویسندگان همچنین به بحث در مورد چالش‌های جدید برای حفظ صلح و همکاری بین طرف‌های درگیر پرداخته‌اند.

پگولو^۴ (۲۰۲۱) در فصلی با عنوان «تأثیر درگیری قره‌باغ بر منطقه خاورمیانه: سیاست عقب‌نشینی راهبردی ایران و مخاطرات یک بازی ژئوپلیتیک جدید در قفقاز» به بررسی نقش و موقعیت ایران در جنگ دوم قره‌باغ پرداخته است. نویسنده با تحلیل روابط بین ایران، ترکیه و

^۱. Modebadze

^۲. Rozkošová

^۳. Jan

^۴. Pegolo

روسیه، نشان داده است که چگونه ایران که آمادگی نظامی و سیاسی برای یک جنگ نمایندگی در قفقاز را نداشت، تصمیم به عقب‌نشینی از منطقه درگیری گرفت. نویسندگان معتقد است که سیاست عقب‌نشینی ایران در دستیابی به اکثر اهداف امنیتی این کشور مؤثر بوده است، اما بهای آن کاهش قابل توجه نفوذ منطقه‌ای ایران در قفقاز جنوبی بوده است.

یدلینوا^۱ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «دولت واقعی قره‌باغ: دیدگاه تاریخی و ژئوپلیتیک» به بحث در مورد وضعیت حقوقی و ژئوپلیتیک قره‌باغ به عنوان یک دولت واقعی اما به رسمیت شناخته نشده پرداخته است. نویسندگان به بحث در مورد آینده قابل پیش‌بینی قره‌باغ و احتمال رسیدگی به خواسته‌های ساکنان آن پرداخته است.

چارچوب مفهومی: گام اولیه و پایه‌ای برای ورود به هر بحث علمی در هر سطحی و با هر نگرشی نیازمند شناخت و درک ماهیت و مفهوم آن است. به هر میزان درک و شناخت از ماهیت و مفهوم مورد بحث شفاف‌تر و دقیق‌تر باشد، دستیابی به اهداف مورد نظر در آن حوزه مطالعاتی و تبیین سایر بخش‌ها سهل‌تر می‌شود. در این میان، مفهوم و واژه ژئوپلیتیک با توجه به اهمیت و برجستگی که دارد، از جمله مفاهیم و واژگانی پرکاربرد چه در عرصه علمی یعنی در میان صاحب‌نظران و متخصصین حوزه‌های مختلف علمی و چه در عرصه عملی یعنی مسئولین اجرایی و حتی در میان عامه مردم است.

این گستردگی کاربرد و بهره‌برداری از این واژه به صورت‌های مختلف سبب شکل‌گیری و توسعه دیدگاه‌های متعدد پیرامون بحث‌های ژئوپلیتیک شده و سبب شده است که هر صاحب‌نظری متناسب با برداشت و دیدگاه، علاقه و زمینه مطالعاتی خود آن را تعریف و به کار بگیرد (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۱). ژئوپلیتیک یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری خارجی هر کشوری است و در چهارچوب رهیافت ژئوپلیتیک نقش عوامل جغرافیایی در سیاست خارجی کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بسته به اینکه کشورها از چه جایگاه ژئوپلیتیکی برخوردار باشند، بدون شک جهت‌گیری سیاست خارجی آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. نقش و جایگاه کشورها در معادلات سیاست جهانی، منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن تأثیرپذیری از تصمیمات سیاستمداران تا حدودی به موقعیت ژئوپلیتیکی نیز متکی است.

ژئوپلیتیک به عنوان یک مفهوم تحلیل سیاست خارجی به توضیح چگونگی تضمین سیاست خارجی کشورها بر پایه عوامل جغرافیایی یا نقشی که این عناصر در شکل‌گیری آن ایفا می‌کنند، می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک، رویکردی به سیاست خارجی است که بر

^۱. Yémelianova

اساس محیط فیزیکی و جغرافیایی به تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاست خارجی و توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی کشور مبادرت می‌کند. این عوامل جغرافیایی شامل کلیه ویژگی‌های و مؤلفه‌های مرتبط با جغرافیای کشور اعم از انسانی و غیرانسانی می‌شود. عوامل جغرافیایی مادی از محیط فیزیکی کشور ناشی می‌شوند و عناصری مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمینی، منابع طبیعی، آب‌وهوا، شکل سرزمینی، پستی‌وبلندی یا توپوگرافی و مرزها را در برمی‌گیرد. عناصر انسانی که از ویژگی‌های جمعیتی کشور سرچشمه می‌گیرد، شامل عواملی چون پیشینه و تجارت تاریخی، تحولات سیاسی/ اجتماعی، فرهنگ سیاسی، بافت قومی و نژادی و مذهب می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱)؛ بنابراین نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط و وضعیت جغرافیایی آنان می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران را در چارچوب الزامات ژئوپلیتیک تحلیل می‌کنند زیرا، وضعیت جغرافیایی، قوام دهنده گزینه‌های موجود برای کشور است و به‌شدت انتخاب‌های ممکن آن را در حوزه سیاست خارجی محدود و مقید می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲). ازاین‌جهت موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور می‌تواند راهبردها و اولویت‌های سیاست خارجی آن را مشخص سازد (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵).

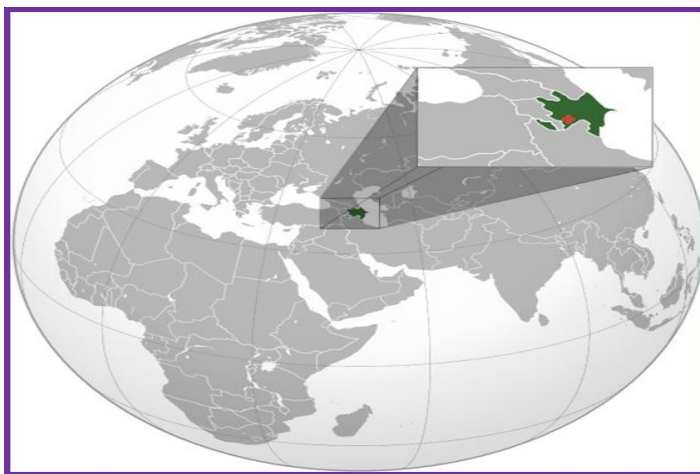
نگاهی گذرا به ماهیت بحران‌های مختلف نشان می‌دهد که رویکرد ژئوپلیتیکی می‌تواند به شناخت علل و ریشه‌های بحران‌ها کمک کند و سپس راه را برای مدیریت بحران و حل‌وفصل آن‌ها هموار کند. بحران از نظر ژئوپلیتیکی بسته به شرایط بحران و شدت آن جنبه‌های مختلفی دارد. بحران‌ها و تغییرات ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم و دیالکتیکی با یکدیگر دارند. به‌طوری‌که یک بحران می‌تواند منجر به تغییرات ژئوپلیتیکی شود و برعکس، تغییرات ژئوپلیتیکی می‌تواند جرقه بحران‌های جدیدی را ایجاد کند (Vaezi, 2008: 58). در ادامه به بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه قره‌باغ و تأثیرات تغییرات صورت گرفته پس از توافق آتش‌بس قره‌باغ که در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به امضای رهبران سه کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه رسید، پرداخته می‌شود. لذا محیط مورد مطالعه در این پژوهش منطقه ناگورنو - قره‌باغ است.

۱. ژئوپلیتیک منطقه ناگورنو-قره‌باغ

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که در نظریه‌های ژئوپلیتیک به‌عنوان قلب زمین شناخته می‌شود، پس از فروپاشی شوروی شاهد تحولاتی چون ظهور جمهوری‌های تازه به استقلال

رسیده، حضور قدرت‌های بزرگ و جنگ‌های داخلی بوده است. فارغ از اهمیت قفقاز، این منطقه یک عرصه ژئوپلیتیک قدرت برای کشورهای منطقه محسوب می‌شود (حاج زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۲۸). یکی از مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک منطقه قفقاز موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک آن است. واقع شدن در قلب اوراسیا، چهارراهی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، هم‌جواری با حوزه دریای خزر، آسیای مرکزی و قدرت‌هایی مانند روسیه، ایران، ترکیه و همسایگی با خاورمیانه از قفقاز موقعیتی استراتژیک و مناسب ساخته است. این استراتژیک بودن موقعیت جغرافیایی منطقه قفقاز حتی درباره برخی مناطق و قومیت‌های درون این جمهوری‌ها که ادعای جدایی‌طلبی و استقلال دارند، همچون اوستیا، آبخازیا، آجاریا، تالشی‌ها و به‌ویژه بیشتر از همه درباره قره‌باغ کوهستانی صدق می‌کند؛ به‌طوری‌که یکی از عوامل تشدید بحران در این مناطق، استراتژیک بودن موقعیت آنان است (حکیم و جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۴۱).

شکل ۱: موقعیت جغرافیایی منطقه ناگورنو - قره‌باغ



(منبع: آيسان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۵)

قره‌باغ نام منطقه‌ای در جنوب غربی جمهوری آذربایجان، شرق ارمنستان و همسایگی شمال ایران است که از ارتفاعات قفقاز کوچک تا زمین‌های پست و هموار بین رودخانه‌های ارس و کر گسترده شده است. این منطقه در زبان جمهوری آذربایجانی به نام قره‌باغ و در زبان ارمنی به نام آرتساخ شناخته شده است و از زمان قدیم بنا به دلایل مختلف مورد توجه همگان بوده است. نکته‌ی قابل ملاحظه این است که منطقه‌ی قره‌باغ از لحاظ ژئوپلیتیک و اقتصادی

اهمیت فراوانی دارد. رودخانه‌ی مهم کورا از کوهستان‌های قره‌باغ سرچشمه گرفته و به‌سوی اراضی جمهوری آذربایجان سرازیر می‌شود. تسلط یک قدرت بیگانه غیر از جمهوری آذربایجان بر این منطقه می‌تواند با کنترل آب این رودخانه، صدمات فراوانی بر اقتصاد این کشور وارد سازد. همچنین از لحاظ جغرافیایی، قره‌باغ منطقه‌ی مشرف بر جمهوری آذربایجان است و به‌صورت قلعه‌ای کوهستانی است که هر جنبنده‌ای را در جمهوری آذربایجان زیر نظر دارد. درمجموع با توجه به اهمیتی که این کوهستان از نظر ژئوپلیتیک و استراتژیک دارد، نه‌تنها موردتوجه کشورهای درگیر بلکه هم از نظر غرب و هم از نظر شرق دارای اهمیت بسیار است (زهرانی و فرجی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ی قره‌باغ سبب توجه بازیگران منطقه‌ای و جهانی شده است. لذا پوشش‌های جدید در منطق قفقاز را می‌توان بر اساس نظریه قلب زمین هالفورد مکیندر^۱ که در سال ۱۹۰۴ مطرح شد توضیح داد (حاج‌زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۲۷). نظریه مکیندر پایه‌ای برای ژئوپلیتیک به‌عنوان یک زمینه مطالعاتی فراهم کرد و تمرکز جغرافیایی آن بر اوراسیا، مرزهای فضایی و پارامترهای هر جریان اقتصادی و فعالیت‌های سیاسی در داخل و اطراف وسیع را روشن می‌کند. مکیندر در توصیف اهمیت اوراسیا، از آن به‌عنوان یک جزیره جهانی در کتاب «آرمان‌های دموکراتیک و واقعیت»^۲ در سال ۱۹۱۹ یاد می‌کند. وی در کتاب مذکور مفهوم قلب زمین^۳ را برای توصیف یک منطقه بکار برد که در شمال و بخش مرکزی اوراسیا شناسایی کرده بود و در سال ۱۹۰۴ آن را «محور جغرافیایی تاریخ»^۴ (که از آن به‌عنوان منطقه محور نیز یاد می‌شود) نامیده بود. او این منطقه را از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مهم‌ترین بخش جهان می‌دانست (Sloan, 1999). نمونه‌ی تأثیرات ویژگی ژئوپلیتیک این منطقه را می‌توان در بحران قره‌باغ ۲۰۲۰ و تحولات پس از توافقنامه آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰ شاهد بود. شکی نیست که تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه ناگورنو-قره‌باغ پس از مناقشه دوم قره‌باغ فرصت‌ها و تهدیدهای جدید و منحصربه‌فردی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان ایجاد کرده است. با توجه به تغییرات ژئوپلیتیک صورت گرفته، می‌توان بیان داشت، تغییرات ژئوپلیتیک صورت گرفته در منطقه قره‌باغ، رخدادی بود که باعث ایجاد فرصت‌های و محدودیت‌های جغرافیایی برای طرفین درگیر در این مناقشه شده است.

^۱. Halford J. Mackinder

^۲. Democratic Ideals and Realit

^۳. Heartland

^۴. The Geographical Pivot of History

مناقشه قره‌باغ. مسئله قره‌باغ نیز از سابقه تاریخی سه امپراتوری روسیه تزاری، عثمانی و ایران نشأت می‌گیرد و مشخصاً از فروپاشی شوروی و استقلال دو دولت جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه قفقاز شروع می‌شود. مناقشه قره‌باغ مانند بسیاری از مناقشات مرزی و اختلافات قومی مذهبی منطقه، سابقه طولانی و حل نشدنی دارد. ساختار روابط ژئوپلیتیکی بین بازیگران بحران قره‌باغ نمایشگر الگوهای روابط بین آن‌ها در سطوح مختلف سیاسی-جغرافیایی بر اساس اشتراکات و افتراقات است که در ابعاد متفاوت تعامل، رقابت، تقابل، نفوذ و سلطه قابل مشاهده است. قره‌باغ به لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای قرار دارد که همواره از لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت فراوانی داشته و منجر به دخالت دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای می‌شود.

ماهیت بحران‌های ژئوپلیتیکی چنین است که به دلیل واقعیت‌های جغرافیایی همچون اختلافات سرزمینی، این اختلافات در سطح تهدیدهای بقای یک کشور مهم انگاشته می‌شود و بالاین وجود نمی‌توان این بحران را تنها با میانجی‌گری حل و فصل کرد، زیرا همچون گذشته مجدداً همچون آتش‌فشانی فعال خواهند شد و وضعی همچون وضع کنونی را به وجود خواهند آورد (جمالی، ۱۳۹۹: ۸). بحران قره‌باغ چنان به تعلقات ژئوپلیتیکی ارمنستان و جمهوری آذربایجان گره خورده است که نمی‌توان آینده راه‌حل‌های سیاسی معمول را روشن پیش‌بینی کرد.

درگیری ناگورنو - قره‌باغ، مانند بسیاری از اختلافات سرزمینی دیگر، ماهیت چندوجهی دارد. از همان ابتدا عنوان می‌شد که ادعاهای ناسیونالیستی و مذهبی از دلایل درگیری است (Smith, 1999: 19). در برخی تحقیقات گفته شده که هر دو طرف برای پاک‌سازی قومی و مهاجرت اجباری از بهانه‌ای تحت عنوان قومیت استفاده می‌کنند (Karoly, 2001). درواقع اعتقادات مذهبی، قومیت و عوامل مرتبط با گذشته شوروی (مرزها، نهادها و غیره) پیچیدگی درگیری را افزایش داده است. هر دو طرف جمهوری آذربایجان و ارمنی استدلال‌های خود را به دلایل مختلف مطرح می‌سازند و در نتیجه، روایت‌های متفاوتی درباره این درگیری ارائه شده است.

از زمان پایان جنگ سرد، ارمنستان و جمهوری آذربایجان در درگیری تلخ بر سر ناگورنو-قره‌باغ که بخشی از جمهوری آذربایجان در زمان اتحاد جماهیر شوروی و محل زندگی اکثریت قومی ارمنستانی‌ها است، قرار گرفته‌اند. درگیری ناگورنو-قره‌باغ که از اوایل سال ۱۹۸۸ آغاز شد، یعنی قبل از شکستن اتحاد جماهیر شوروی و بیش از سه دهه ادامه داشت، طولانی‌ترین و یکی از درگیری‌های طولانی در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق است (Eferl, 2021). این درگیری ۳۰ سال پیش با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بروز تنش‌های قومی در قفقاز جنوبی آغاز شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ وحشیانه‌ای بین ارمنستان و

جمهوری آذربایجان در گرفت که در نهایت با آتش‌بس در سال ۱۹۹۴ پس از کشته شدن بیش از ۳۰۰۰۰ سرباز به پایان رسید. ارمنی‌های قومی پس از جنگی تلخ و خونین کنترل منطقه قره‌باغ کوهستانی را به دست آوردند. آن‌ها حکومت خود را بر این منطقه کوهستانی مستحکم کردند و استقلال خود را اعلام کردند و با ارمنستان پیوندهای زمینی برقرار کردند. با کمک ایروان، قره‌باغ کوهستانی کنترل قلمرو خود را حفظ کرد. پس از مهاجرت جمهوری آذربایجانی‌های قومی در سال ۱۹۹۴، این منطقه یک ویژگی منحصربه‌فرد ارمنی پیدا کرده است. بر اساس آخرین نظرسنجی شوروی که در سال ۱۹۸۹ انجام شد، ارمنی‌ها ۷۷ درصد از جمعیت قره‌باغ کوهستانی را تشکیل می‌دهند، در حالی که جمهوری آذربایجانی‌ها ۲۲ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. با این حال، در هفت ناحیه مجاور اطراف قره‌باغ کوهستانی، تقریباً ۹۵ درصد از جمعیت جمهوری آذربایجان قومی بودند. صرف‌نظر از ترکیب جمعیتی، دو جامعه ارمنی و جمهوری آذربایجانی در زمان شوروی به‌صورت مسالمت‌آمیز زندگی و همزیستی داشتند؛ اما روابط بین آن‌ها در سال‌های پایانی اتحاد جماهیر شوروی رو به وخامت گذاشت. ارمنستان شروع به ادعای اراضی از جمهوری آذربایجان کرد، تنش‌های قومی به راه افتاد و اعتمادی که برای سال‌های متمادی ایجاد شده بود، ناگهان در عرض چند هفته از بین رفت. خصومت بین ارمنی‌ها و جمهوری آذربایجانی‌ها در سال ۱۹۹۲ به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد. جنایات و جنایات جنگی زیادی از طرف هر دو طرف انجام شد و روستاها و شهرهای بی‌شماری با خاک یکسان شدند (Modebadze, 2021: 103).

تشدید اختلاف بین نیروهای جمهوری آذربایجان و ارمنی که موجب جنگ همه‌جانبه در ناگورنو-قره‌باغ شد از زمان آتش‌بس ۱۹۹۴ به بعد ادامه داشته است (Zaur, 2017). آتش‌بس در سال ۱۹۹۴ امضا شد و مذاکرات صلح بین طرف‌های درگیر با کمک گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا آغاز شد و سه کشور روسیه، فرانسه و آمریکا به‌عنوان میانجی در این مناقشه عمل کردند. گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری در اروپا^۱ که توسط ایالات متحده، فرانسه و روسیه به ریاست ایالات متحده در سال ۱۹۹۴ برخی از ابتکارات واسطه‌گری را آغاز کرده بودند، اما در یافتن یک راه‌حل نهایی موفق نبوده است. در ۳۰ سال گذشته هیچ کاری برای حل و فصل وضعیت قره‌باغ کوهستانی و پایان دادن به درگیری از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز انجام نشده است. مذاکرات صلح به مدت ۲۷ سال ادامه داشت اما هیچ‌گونه پیشرفتی نداشت. نه ارمنی‌ها و نه آذری‌ها پیشنهادی گروه مینسک را نپذیرفتند و جنگ چهار

^۱. The Minsk Group of the Organization for Security and Cooperation in Europe

روزه هیچ تغییری در این وضعیت ایجاد نکرد. دو طرف در حال سرمایه‌گذاری در امکانات نظامی بودند و امیدوار بودند با استفاده از یک جنگ بین ایالتی، وضعیت موجود تغییر یابد. سرانجام، با پشتیبانی آشکار ارائه شده توسط ترکیه، متحد استراتژیک آن، جمهوری آذربایجان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ جنگی در مقیاس بزرگ را در ناگورنو-قره‌باغ آغاز کرد (Çelik and Kinik, 2021: 170).

۲. ابعاد ژئوپلیتیک مناقشه دوم قره‌باغ

مناقشه دوم قره‌باغ کوهستانی که یکی از مشکلات قدیمی در منطقه قفقاز بود، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز و پس از دو ماه به نفع جمهوری آذربایجان پایان یافت. این جنگ دستاوردهای قابل توجهی برای باکو در منطقه قره‌باغ اشغالی و خسارات جدی برای ارتش ارمنستان به همراه داشت. درگیری‌هایی که به دلیل اختلاف در مورد کنترل ناگورنو-قره‌باغ به وجود آمد منجر به هزاران تلفات از هر دو طرف شد و حدود یک و نیم ماه به طول انجامید. این درگیری با توافق‌نامه اعلام‌شده در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به پایان رسید. پس از آنکه جمهوری آذربایجان شهر مهم استراتژیک شوша (شوشی) را به تصرف خود درآورد، دولت ایروان مجبور شد شکست را بپذیرد و کاملاً از قره‌باغ عقب‌نشینی کند. نخست‌وزیر ارمنستان، نیکول پاشینیان اظهار داشت که این توافق برای شهروندان ارمنستان دردناک است، اما به دلیل دوره جنگ و اصرار ارتش وی این تصمیم را گرفت. با یک توافق صلح واسطه‌ای مسکو که بین رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، الهام علی‌اف و نخست‌وزیر ارمنستان، نیکول پاشینیان امضا شد. وضع موجودی که به مدت ۲۸ سال در قفقاز جنوبی پیروز شده بود، مختل شد و روند جدیدی نیز آغاز شده است.

همان‌طور که گفته شد در خلال این بحران با میانجی‌گری روسیه توافق آتش‌بسی در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ منعقد شد. بر اساس مفاد این توافق‌نامه مقرر شد:

۱. توقف همه عملیات‌های نظامی در قره‌باغ و خروج مرحله‌ای ارتش ارمنستان از اراضی (قره‌باغ کوهستانی، کلبجر، لاجین و آغدم)؛
۲. استقرار نیروهای حافظ صلح روسی در منطقه قره‌باغ کوهستانی به‌استثنای مناطق تحت کنترل جمهوری آذربایجان؛
۳. ایجاد گذرگاه امنیتی توسط پلیس مرزی روسیه به دستور ارمنستان برای تضمین امنیت ترانزیتی بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان و؛
۴. تردد شهروندان ارمنی و محموله‌ها از منطقه قره‌باغ به جمهوری ارمنستان از طریق گذرگاه لاجین،

در چارچوب این توافق‌نامه، جمهوری آذربایجان نه تنها از فازولی^۱، جابرییل^۲، زنگیلان^۳ و کوباتلی^۴ را از اشغال آزاد کرد، بلکه باعث شد ارمنستان موافقت کند که از شهرهای آگدام^۵، لاجین^۶ و کلباجار^۷ خارج شود و یک برنامه عقب‌نشینی بر این اساس مشخص شد؛ بنابراین، جمهوری آذربایجان هفت منطقه را جدا از ناگورنو-قره‌باغ از اشغال آزاد کرد و موفق شد برخی از سرزمین‌هایی را که در اولین درگیری از طریق جنگ و دیپلماسی از دست داده بود، پس بگیرد (Burak, 2020). اگرچه در ابتدا، پس از پایان جنگ ۱۹۹۴، ارمنی‌ها ۷ منطقه مجاور قره‌باغ کوهستانی را در جریان مذاکرات به‌عنوان یک ابزار معامله می‌دیدند و آماده امتیاز دادن به جمهوری آذربایجان بودند، بعدها هرگونه سازش با جمهوری آذربایجان به‌عنوان خیانت به ارمنستان تلقی می‌شد. قبل از شروع جنگ، این دیدگاه گسترده در جامعه ارمنستان وجود داشت که تمام مناطق، حتی هفت ناحیه مجاور قره‌باغ کوهستانی، باید تحت کنترل ارمنستان باقی بماند (Modebadze, 2021: 105)؛ اما جمهوری آذربایجان موضع سازش‌ناپذیری اتخاذ کرده و خواستار بازگرداندن سرزمین‌های اشغالی شده است.

علیرغم تلاش‌های فراوان جامعه بین‌المللی برای احیای مذاکرات صلح، هیچ کاری برای دستیابی به اجماع بین طرف‌های درگیر انجام نشد. لفاظی‌های سیاسی در هر دو طرف به‌طور فزاینده‌ای خصمانه شد. جمهوری آذربایجان بارها به جامعه جهانی هشدار داد که قصد دارد سرزمین‌های اشغالی را با زور آزاد کند، درحالی‌که ارمنستان تهدید کرده بود که در جنگ بعدی مناطق بیشتری را تصرف خواهد کرد. درگیری‌های مسلحانه اجتناب‌ناپذیر بود و در سپتامبر ۲۰۲۰ درگیری‌های گسترده در منطقه قره‌باغ آغاز شد. هر دو طرف، ارمنستان و جمهوری آذربایجان از سلاح‌ها و موشک‌های پیشرفته برای دستیابی به مزیت استراتژیک در این جنگ خونین استفاده نمودند (Modebadze, 2021: 105-106). برخلاف اولین جنگ که سه سال به طول انجامید و با شکست جمهوری آذربایجان به پایان رسید، خصومت‌هایی که سال ۲۰۲۰ آغاز شد، ۴۵ روز ادامه یافت و با توافق سه‌جانبه امضاشده توسط ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه متوقف شد. جنگ دوم نه تنها طول آن بلکه نتیجه آن نیز متفاوت بود – چون پیروزی در جنگ بدون قید و شرط توسط جمهوری آذربایجان به دست آمد.

1. Fuzuli

2. Jabrayil

3. Zangilan

4. Kubatli

5. Aghdam

6. Lachin

7. Kelbajar

در موافقت‌نامه ۱۰ ماده‌ای آتش‌بس قره‌باغ که در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به امضای رهبران سه کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه رسید، هیچ‌گونه اشاره‌ای به آینده وضعیت حقوقی منطقه ناگورنو-قره‌باغ و یا مکانیسم‌های اجرایی آن نشد. این موضوع تنها فصل مشترک مخالفان آتش‌بس در جمهوری آذربایجان و ارمنستان محسوب می‌شد و هر دو طرف این انتقاد را متوجه الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان کردند که با وجود یک جنگ شش‌هفته‌ای فراگیر، توافق‌نامه آتش‌بس در رابطه با مهم‌ترین موضوع مناقشه قره‌باغ یعنی آینده وضعیت حقوقی این منطقه سکوت کرده است. پس از توافق، وضعیت منطقه قره‌باغ از سطح مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی پایین‌تر بوده و تنها سه منطقه آبخازیا، اوستیای جنوبی و ترانس دنیستر (مولداوی) که خود فاقد شناسایی بین‌المللی هستند، موجودیت منطقه قره‌باغ به‌عنوان یک کشور مستقل (به تعبیر ارمنه جمهوری آرتساخ) را به رسمیت شناختند و حتی دولت ارمنستان نیز طی سه دهه گذشته از شناسایی استقلال منطقه قره‌باغ خودداری کرده است؛ بنابراین، تغییرات ژئوپلیتیک ناشی از مناقشه دوم قره‌باغ تأثیرات قابل‌توجهی بر منطقه‌ی مورد مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ داشته است.

این برنامه صلح برای محدود کردن نبردهای رستاخیز در داخل و اطراف آنکلاو و مرزبانان طرف ارمنستان اجرا شد تا طرفین از جنگ در امتداد مرز جلوگیری کنند؛ اما نتایج در بهترین حالت ناهموار بوده است: زیرا باکو قدرت تازه خود را هم در مذاکره و هم در میدان نبرد آزمایش کرده است. از طرفی در سال ۲۰۲۰، نیمی از روابط بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان با حرکت در طول دو مسیر بسیار متفاوت مشخص شده است. در یک مسیر، طرفین یک روند صلح را دنبال کرده‌اند، با یک باکو که مشتاق امتیازات است و یک ایروان که نگران سرنوشت ناگورنو-قره‌باغ با جمعیتی از هم جدا شده است، مهم‌ترین مسئله‌ای که طرفین را از هم جدا می‌کند این است که: ایروان خواستار حقوق و حمایت‌های ویژه‌ای برای ساکنان آنکلاوها است، درحالی‌که باکو اصرار دارد که وضعیت آن‌ها یک موضوع داخلی است که برای بحث‌های دوطرفه نامناسب است (International Crisis Group, 2023).

اما موضوعات مهم دیگری نیز وجود دارد. این موارد شامل اختلافات در مورد چندین بخش از مرز بین‌شهری است که هرگز در پایان جنگ سرد کاملاً مشخص نشده بودند و استدلال در مورد توسعه یک راهرو حمل‌ونقل که از ارمنستان جنوبی عبور می‌کند و جمهوری آذربایجان را به نخجوان، خارج از مرز غربی ارمنستان پیوند می‌دهد. بالاین‌حال، حتی در میان مذاکرات، روابط همسایگان به‌طور هم‌زمان یک مسیر رویارویی‌تر را پشت سر گذاشته است. باکو که

توسط منابع انرژی خود غنی شده همچنان قدرت و اعتماد به نفس نظامی را در حاشیه خود جمع می‌کند. در عوض، ارمنستان با شریک امنیتی سنتی خود، روسیه، تلاش کرده تا فروشگاه‌های سلاح‌های خود را دوباره پر کند و به دلیل درگیری روسیه در اوکراین، تسلیحاتی را در خود جای دهد. صلح مرزی با روسیه یک عامل بازدارنده مؤثر را اثبات نکرده‌اند چون آن‌ها نتوانستند پیشرفت‌های جمهوری آذربایجان را متوقف کنند (International Crisis Group, 2023).

درواقع، ارمنستان متحمل شکست‌های نظامی قابل توجهی از سوی نیروهای جمهوری آذربایجان شده است. این کشور نه تنها بیشتر مناطق جمهوری آذربایجان را که در سال ۱۹۹۳ اشغال کرده بود، بلکه بخش قابل توجهی از قره‌باغ کوهستانی را نیز از دست داده است. بر اساس توافق صلح، مرزهای قره‌باغ کوهستانی دوباره ترسیم شده است و نیروهای مسلح ارمنستان باید مناطق تحت کنترل ارمنستان اطراف قره‌باغ کوهستانی را تا اول دسامبر ۲۰۲۰ ترک کنند. درحالی‌که جمهوری آذربایجانی‌ها این معامله را یک پیروزی خوانده‌اند اما ارمنی‌ها آن را تحقیر ملی خوانده‌اند. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، این توافق را تصمیمی باور نکردنی در دناک توصیف کرد (Modebadze, 2021: 107).

باین حال درگیری‌های اخیر شاهد تحولات قابل توجهی در استراتژی‌های نظامی دو کشور، استفاده از ابزارها و تکنولوژی‌های نوین نظامی و همچنین جغرافیایی درگیری‌ها بوده است؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که اقدام نظامی باکو و ایروان در مورد قره‌باغ نشان‌دهنده این موضوع است که اختلافات بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان موضوعی موقت نبوده و بلکه تهدیدی پایدار برای ثبات و امنیت در منطقه قفقاز جنوبی و همچنین مناطق هم‌جوار است. حتی در مورد ۲۰۲۰، زمانی که روسیه پادرمیانی کرده و دو کشور متعهد شدند که آتش‌بس را رعایت کنند موارد متعددی از نقض آتش‌بس از سوی هر دو کشور وجود داشت. در مجموع گزینه‌های زیادی در زمینه یافتن راه‌حلی برای درگیری در طول سال‌ها ارائه شده است. یک مانع اصلی برای حل و فصل درگیری این واقعیت است که هر دو طرف مشکل را کاملاً از دیدگاه خود در نظر می‌گیرند. لذا، هیچ تعریف جامع و شناخته‌شده‌ای از قلمرو مورد نظر وجود ندارد. هر دو طرف بر اساس وقایع سیاسی و تاریخی و حتی معانی آینده، موقعیت درگیری را متفاوت تعریف می‌کنند (Shannon, 2008).

۳. تغییر در تعداد و نوع ذی‌نفعان

مناقشه قره‌باغ از یک درگیری محلی و منطقه‌ای به یکی از نقاط کلیدی در ژئوپلیتیک منطقه و حتی جهان تبدیل شده است. جنگ ۲۰۲۰ نه‌تنها بازیگران اصلی، یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان را در مقابل یکدیگر قرار داده است، بلکه باعث شده است تا قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در این درگیری مشارکت کنند. این امر سبب پیچیده‌تر شدن بحران و دشوارتر شدن یافتن راه‌حلی پایدار برای آن گردیده است.

یکی از مهم‌ترین تحولات در زمینه تعداد و نوع ذی‌نفعان، نقش‌آفرینی فعال‌تر ترکیه در جریان جنگ اخیر بوده است. با ورود ترکیه به میدان جنگ به شکل فعال، یک مؤلفه جدید در معادله مناقشه اضافه شده است. ترکیه با ارائه حمایت‌های آشکار نظامی و سیاسی از جمهوری آذربایجان، نقشی پررنگ‌تر و فعال‌تر پیدا کرد. حمایت نظامی و سیاسی ترکیه از جمهوری آذربایجان نه‌تنها توازن نظامی منطقه را تغییر داده، بلکه چالش‌های تازه‌ای به روابط دیپلماتیک منطقه‌ای افزوده است. ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای عضو ناتو، همواره دارای منافع ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در منطقه قفقاز بوده است؛ اما حمایت آشکار و گسترده این کشور از جمهوری آذربایجان در جنگ اخیر، پیچیدگی تازه‌ای به ابعاد ژئوپلیتیک مناقشه قره‌باغ افزود.

علاوه بر ترکیه، روسیه نیز با اعزام نیروهای صلح‌بان به منطقه، نقشی مستقیم‌تر در قره‌باغ پیدا کرد. روسیه سال‌هاست به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی و تأثیرگذار در منطقه قفقاز شناخته می‌شود و حضور مستقیم نظامی آن در قالب نیروهای صلح‌بان، تحول مهمی در ترکیب ذی‌نفعان این مناقشه محسوب می‌شود. روسیه، با حفظ نقش تأثیرگذار خود در منطقه، با اعزام نیروهای صلح‌بان به منطقه نشان داده است که همچنان قصد دارد در قفقاز نقش کلیدی ایفا کند. حضور نظامی مستقیم روسیه نه‌تنها توازن نظامی را تحت تأثیر قرار داده، بلکه به‌وضوح نشان‌دهنده نقش روسیه به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار در منطقه است.

همچنین بر اساس گزارش‌های مختلف، رژیم صهیونیستی نیز اقدام به ارائه حمایت‌های تسلیحاتی به جمهوری آذربایجان کرده است. دخالت روزافزون بازیگران فرامنطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی، خود نشان‌دهنده پیچیده‌تر شدن ابعاد ژئوپلیتیکی مناقشه قره‌باغ است. حمایت‌های نظامی رژیم صهیونیستی از جمهوری آذربایجان، به‌خصوص در زمینه تأمین تجهیزات نظامی پیشرفته، نقشی مؤثر در توازن نظامی منطقه داشته است. این حمایت‌ها، به‌ویژه در زمینه پهپادها، تأثیرات ژئوپلیتیک عمده‌ای بر مناقشه داشته است.

در کنار این تحولات، جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موقعیت حساس جغرافیایی و ترکیب جمعیتی خود، تلاش کرده است تا در قبال این مناقشه موضع بی طرفانه‌ای اتخاذ نماید. تلاش ایران برای حفظ بی طرفی در این مناقشه نیز خود یکی دیگر از عوامل پیچیدگی به شمار می‌رود. ایران با موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که دارد و با توجه به ترکیب جمعیتی خود، در موقعیتی پیچیده قرار گرفته است. ایران در تلاش است تا به عنوان یک بازیگر میانجی گر در مناقشه قرار بگیرد، اما با ورود بازیگران جدید به میدان، این نقش برای ایران چالش برانگیزتر شده است.

به طور کلی، تحولات مذکور در ترکیب و تعداد ذی نفعان درگیر، موجب پیچیده تر شدن ماهیت ژئوپلیتیکی مناقشه قره باغ شده و دستیابی به راه حلی مسالمت آمیز و پایدار را دشوارتر کرده است.

۴. تغییر در میزان منافع ذی نفعان

در ژئوپلیتیک هر مناقشه‌ای، میزان منافع و ضررها برای بازیگران مختلف ممکن است با تغییر شرایط تغییر کند. جنگ ۲۰۲۰ قره باغ نه تنها تغییرات ژئوپلیتیک و نظامی در منطقه ایجاد کرد، بلکه به تحولات عمده‌ای در میزان منافع بازیگران اصلی منجر شد که خود یکی از ابعاد پیچیدگی این بحران به شمار می‌رود.

از جمله مهم ترین این تحولات، می‌توان به افزایش قدرت نظامی و اعتماد به نفس جمهوری آذربایجان اشاره کرد. باکو با به دست آوردن کنترل بر بخش‌های وسیعی از مناطق مورد مناقشه، عملاً پیروز میدانی این جنگ به شمار می‌رود. این پیروزی نظامی نه تنها به توانمندی‌های نظامی باکو افزوده، بلکه موجب افزایش اعتماد به نفس ملی و تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن شده است. حضور فعال ترکیه به عنوان یک حامی قوی نیز در این اعتماد به نفس مؤثر بوده است.

در مقابل، جمهوری ارمنستان متحمل شکست‌های سنگین نظامی شد و با از دست دادن بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های تحت کنترل، شاهد تضعیف قدرت و جایگاه خود بود. با واگذاری مناطق قره باغ به جمهوری آذربایجان، ارمنستان شکست نظامی و سیاسی بزرگی را تجربه کرد. این شکست نه تنها قدرت نظامی ارمنستان را تضعیف کرده، بلکه باعث کاهش جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن شده است. این شکست باعث شد که حکومت نخست‌وزیر نیکول پاشینیان با بحران سیاسی و اعتراضات گسترده مخالفان خود مواجه شود. بسیاری از

ملی‌گرایان، به‌ویژه ساکنان قره‌باغ، این توافق را به‌عنوان خیانت به ملت و تسلیم کشور تلقی کردند. شکست در جنگ همچنین تأثیرات منفی بر روابط ایران با شرکای امنیتی خود، به‌ویژه روسیه، داشت. این امر می‌تواند بر مواضع و توان چانه‌زنی ارمنستان در مذاکرات آتی تأثیر منفی بگذارد.

علاوه بر این، رفتار و مواضع روسیه به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی، موجب بروز تردیدهایی در مورد نقش آن به‌عنوان یک ضامن امنیت شده است. روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در منطقه، همواره نقش مهمی در مناقشه قره‌باغ داشته است؛ اما با پایان جنگ و حضور نظامی روسیه به‌عنوان نیروی حافظ صلح، تردیدهایی در میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد نقش واقعی و دوام آن به‌عنوان یک ضامن امنیت ایجاد شده است. برخی معتقدند روسیه نتوانست مانع پیشروی‌های نظامی جمهوری آذربایجان شود که این مسئله می‌تواند بر اعتبار منطقه‌ای مسکو تأثیر بگذارد. برخی دیگر معتقدند روسیه با فروش سلاح به هر دو طرف و استقرار نیروهای حافظ صلح خود در منطقه قره‌باغ، منافع خود را در جنگ حفظ کرده و نفوذ خود را در منطقه تثبیت کرده است.

بنابراین، تغییر در توازن قدرت و منافع ذی‌نفعان اصلی، یکی دیگر از مصادیق پیچیده‌تر شدن ماهیت ژئوپلیتیکی مناقشه قره‌باغ است که می‌تواند مانعی بر سر راه حل صلح‌آمیز آن باشد.

۵. تغییر در پیچیدگی مسائل فرعی

در چارچوب مناقشه قره‌باغ از دیدگاه ژئوپلیتیک، با توجه به تحولات اخیر، مسائل فرعی مرتبط با این مناقشه نیز پیچیده‌تر شده‌اند. هرچند این مسائل فرعی در سطح موازی با مسائل اصلی مناقشه قرار دارند، ولی تأثیرات عمده‌ای بر جریان مذاکرات و تلاش‌ها برای رسیدن به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز دارند.

یکی از مسائل حساس و پیچیده، اختلاف در مورد مرزهای دقیق مناطق تحت کنترل هر طرف و وضعیت آینده قره‌باغ است. با پایان جنگ ۲۰۲۰ و تغییرات ایجاد شده در کنترل مناطق مختلف، هر دو طرف ممکن است تصورات و انتظارات متفاوتی از مرزهای آینده و وضعیت سیاسی و امنیتی قره‌باغ داشته باشند. این اختلاف‌نظرها می‌تواند به بروز درگیری‌های مجدد منجر شود.

وضعیت امنیتی و حقوقی آوارگان بازگشتی به مناطق تحت کنترل جدید هر طرف از دیگر موارد مورد اختلاف است. جنگ‌ها و تضاد منافع بین دو کشور منجر به کاهش شدید اعتماد

میان طرفین شده و این بحران اعتماد ممکن است مانعی بر سر راه پیشرفت مذاکرات و دستیابی به صلح پایدار باشد.

علاوه بر این، فاعلان خارجی مانند روسیه، ترکیه، ایران، آمریکا و فرانسه نیز نقش مؤثری در تعیین مسیر و پایان مناقشه دارند. هر یک از این کشورها بر اساس منافع استراتژیک خود در منطقه قفقاز و روابط دوجانبه با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مواضع و سیاست‌های مختلفی را اتخاذ می‌کنند. در مجموع، می‌توان گفت که پیچیدگی‌های افزایشی مسائل فرعی در مناقشه قره‌باغ، به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی اخیر، مانعی جدی بر سر راه حل نهایی این بحران تلقی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

مناقشه قره‌باغ یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین بحران‌های منطقه قفقاز به شمار می‌رود که ریشه در تاریخ طولانی و تضاد منافع دو طرف اصلی درگیر، یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان، دارد.

جنگ سال ۲۰۲۰ میان این دو کشور و تغییر توازن قدرت به نفع باکو، منجر به دگرگونی‌های ژئوپلیتیک عمده‌ای شد که پیامدهای مهمی برای آینده این مناقشه داشت. مهم‌ترین این پیامدها عبارت‌اند از:

پیچیده‌تر شدن ابعاد مختلف مناقشه از جمله موضوعات مرزی، آوارگان، امنیت و اعتمادسازی؛ افزایش نقش و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ تضعیف موقعیت مذاکراتی ارمنستان و تقویت مواضع جمهوری آذربایجان؛ کاهش احتمال دستیابی به راه‌حلی جامع و پایدار در آینده نزدیک.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تحولات اخیر ژئوپلیتیک، علی‌رغم پایان موقت درگیری‌های نظامی، مناقشه قره‌باغ را پیچیده‌تر کرده و مانعی جدی بر سر راه حل جامع و پایدار آن محسوب می‌شود.

این مقاله با پرسش اینکه آیا تغییرات ژئوپلیتیک اخیر در منطقه قفقاز، منجر به تغییر در ماهیت مناقشه قره‌باغ شده است یا خیر، آغاز شد. فرضیه ما این بود که تغییرات ژئوپلیتیک، باعث پیچیده‌تر شدن بسیاری از جنبه‌های این مناقشه شده است و برخی مسائل فرعی را به چالش‌های اصلی تبدیل کرده است. در این مقاله، ما با بررسی تاریخی، عوامل و روند مناقشه قره‌باغ، سعی کردیم تأثیرات تغییرات ژئوپلیتیکی را بر روی این مناقشه نشان دهیم.

با توجه به گفته‌های فوق، ما معتقد هستیم که فرضیه خود را با شواهد و دلایل کافی تأیید کرده‌ایم. ما نشان داده‌ایم که جنگ ۴۵ روزه ۲۰۲۰ و توافق سه‌جانبه‌ای که با همکاری روسیه در پایان جنگ به امضاء رسید، باعث شده است که مسائل فرعی مانند مرزهای دقیق، وضعیت آینده، آوارگان و اعتمادسازی، به‌عنوان چالش‌های جدید و پیچیده‌ای در راستای حل مناقشه قره‌باغ مطرح شوند. همچنین، ما نشان داده‌ایم که نقش و منافع فاعلان خارجی در منطقه قفقاز، به‌ویژه روسیه، ترکیه و ایران بر روی مناقشه قره‌باغ تأثیرگذار است و می‌تواند همکاری یا رقابت بین آنان را در رابطه با طرفین درگیر شکل دهد.

درنهایت، مناقشه قره‌باغ یک مناقشه پیچیده و چندبعدی است که درگیر در عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ژئوپلیتیک است. دستیابی به صلح پایدار و حل مسالمت‌آمیز این مناقشه نیازمند تلاش‌های عمیق‌تر، همکاری‌های بین‌المللی و تعهدات جدی از سوی طرفین درگیر است. فقط با تعهد به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز و همکاری‌های بین‌المللی می‌توان به یک آینده روشن و استقرار در منطقه امیدوار بود.

منابع و مآخذ

فارسی

- آیسان‌نژاد، محمد (۱۳۹۱)، بررسی نقش سازمان ملل متحد در روند قره‌باغ کوهستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر ابعاد و سطوح مداخله در بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹.
- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۶)، ژئوپلیتیک برای همه، تهران: انتخاب.
- جمالی، مرصاد (۱۳۹۹)، «بحران قره‌باغ: از پیشینه تا چشم‌انداز»، گاهنامه تحلیلی گام‌نو.
- حاج زرگرباشی، روح‌الله و شکری، مرتضی (۱۴۰۱)، «ژئوپلیتیک در حال تغییر آسیای مرکزی و قفقاز؛ جایگاه ایران در آینده توازن منطقه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۴۱.
- حکیم، حمید و جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴)، «تحولات ژئوپلیتیک قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۱.
- زهرائی، مصطفی و فرجی لوحه‌سرا، تیمور (۱۳۹۱)، «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳.

قالیباف، محمدباقر و پور موسوی، سید موسی (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۶.

لاتین

- Çalışkan, B. (2020), "Karabağ Savaşı ve Güney Kafkasya'da Yeni Dönem", **İnsamer**, 4 December, Available at: <https://www.insamer.com/tr/uploads/pdf/etkinlik-2-karabag-savasi-ve-guney-kafkasya-da-yeni-donem.pdf>.
- Isanedjad, S. M., & Leylanoglu, H. (2020), "Geopolitical Analysis of Legal and Political Dimensions of Nagorno Gharabagh Conflict", **Uluslararası Kriz ve Siyaset Araştırmaları Dergisi**, 4 (2), 82-114. Available at: <https://dergipark.org.tr/en/pub/uksad/issue/59215/851136>.
- Jan, A., Faiz, J., Munir, G., & Rab, A. (2021), "The Geo-Political Implications of the Nagorno-Karabakh Conflict", **Journal of Critical Reviews**, 8(2), 1378-1387.
- Kinik, H., & Çelik, S. (2021), "The Role of Turkish Drones in Azerbaijan's Increasing Military Effectiveness", **Insight Turkey**, 23(4), 169-192.
- Kocsis, K. (2001), "Ethnicity," in D. Turnock (Ed.), **East Central Europe and the Former Soviet Union: Environment and Society**, London: Arnold.
- Modebadze, V. (2021), "The Escalation of Conflict between Armenians and Azerbaijanis and the Problems of Peaceful Resolution of the Nagorno-Karabakh War", **Journal of liberty and international affairs**, 6(03), 102-110.
- O'Lear, S., & Whiting, R. (2008), "Which Comes First, The Nation or the State? A Multiple Scale Model Applied to the Nagorno-Karabakh Conflict in the Caucasus," **National Identities**, 10(2): 185-206.
- Pegolo, V. (2021), "The Impact of the Nagorno-Karabakh Conflict on the Middle East Region: Iran's Policy of Strategic Retreat and the Dangers of a New Geopolitical Game in the Caucasus", In F. Leandro, C. Branco & F. Caba-Maria, (Eds.), **The Geopolitics of Iran; Studies in Iranian Politics**, Singapore: Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-981-16-3564-9_22.
- Rozkošová, Z. (2021), "Geopolitical Context of the Nagorno-Karabakh Conflict in 2020", **Almanach (Actual Issues in World Economics and Politics)**, 16(1), 32-43.
- Shiriyev, Z. (2017), "The 'Four-Day War:' Changing Paradigms in the Nagorno-Karabakh Conflict", **Turkish Policy**, Available at: <http://turkishpolicy.com/article/842/the-four-day-war-changing-paradigms-in-the-nagorno-karabakh-conflict>.
- Sloan, G. (1999), "Sir Halford J. Mackinder: The Heartland Theory Then and Now", **The Journal of Strategic Studies**, 22(2-3), 15-38.
- Smith, G. (1999), **The Post-Soviet States: Mapping The Politics of Transition**, London: Arnold.
- Vaezi, M. (2008). **Geopolitical Changes and Crises in the Caucasus**.
- Yémelianova, G. M. (2023), "The De Facto State of Nagorno-Karabakh: Historical and Geopolitical Perspectives", **Europe-Asia Studies**, 1-24. <https://doi.org/10.1080/09668136.2023.2214708>.